

## وقتی مصدق به آمریکا اعتماد می کند

۳۰ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۴۰

در موضوع ملی شدن نفت نیز، آمریکا تا جایی که به نفع کشور و منافع ملیش بود، از مصدق حمایت کرد، اما این سیاست بتدریج و تحت تأثیر منافع سیاسی و اقتصادی، تغییر کرده و به میانجیگری و مخالفت با مصدق و ملی شدن نفت تبدیل شد.

جوان و تاریخ- مقالات



اعتماد به کشورهای خارجی در مسائل سیاسی و اقتصادی، یکی از اشتباهات بزرگ دولتمردان و صاحب منصبان ایرانی در چند قرن اخیر بوده است. این اعتماد که گاه ناشی از اضطرار و موقعیت ضعف بوده و گاه جهت پیروزی در هدفی سیاسی و یا کسب منافع شخصی، ثمرهای جز شکست و تباهی نداشته است. این اعتماد تنها مختص سیاستمداران تازه کار و یا ناآشنا با سیاست کشور نبوده است؛ بلکه گاه گریبانگیر سیاستمداران کاردانی چون مصدق نیز گردیده است. دکتر مصدق علیرغم آشنایی با حقوق بینالملل و ماهیت واقعی سیاست، بعد از ملی شدن صنعت نفت به آمریکا اعتماد کرد و اندیشید که از این طریق میتواند موضوع

ملی شدن نفت را حل نماید. اما گذشت زمان خلاف این واقعیت را نشان داد و نتیجه شکست مصدق با کودتایی آمریکایی-انگلیسی بود که در ادامه به علل اعتماد مصدق به آمریکا و ثمره این اعتماد پرداخته میشود.

## حضور آمریکا در صحنه سیاست ایران

حضور جدی آمریکا در صحنه سیاسی و اقتصادی ایران به سالهای پس از جنگ جهانی دوم و خروج این کشور از سیاست انزواطلبی برمبگردد. این کشور تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد، بیشتر از راه اقتصادی در ایران فعالیت نموده و بر اساس منافع ملی خود کمکهایی نیز به ایران کرده بود. اما بعد از جنگ جهانی دوم حضور این کشور در ایران و بسیاری از کشورهای جهان سوم پررنگ تر گردید، این امر ناشی از دو امر بود: ۱- یافتن متحدانی جهت مقابله با نفوذ کمونیسم، و ۲- دستیابی به منابع نفتی کشورهای چون ایران. از این رو، این کشور ابتدا با راههای آسانی چون کمکههای اقتصادی و یا حمایت از جنبشهای ملیگرایانه ایران همچون ملی شدن نفت، وارد صحنه سیاسی کشور میشود.

بر همین اساس، مصدق نیز تصور میکرد که آمریکا، به دلیل ترس نفوذ کمونیسم بر ایران، در حمایت از او و یا دولتی دموکراتیک تلاش خواهد کرد. این تصورات، تا مقطعی درست از آب درآمد. زمانی که صنعت نفت ایران ملی گردید، مطبوعات آمریکا در حمایت از مصدق، نخست‌وزیر وقت، مطالب زیادی را منتشر می‌کردند. «واشنگتن پست» در این باره نوشت: «ایرانی‌ها کمپانی نفت را به چشم یک کشور در شکم یک کشور مصیبت‌زده و بلادیده و مظهر مجسم فقر خود می‌بینند. بنابراین آنان تنها راه نجات را ملی کردن منافع نفت می‌دانند.» روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» در این زمان نوشت: «اگر ایالات متحده از مصدق پشتیبانی نکند، حیثیت آمریکا در ایران و سراسر خاورمیانه به خطر می‌افتد.»<sup>۱</sup>

در واقع موضع آمریکا در این مقطع به دلیل رقابت با انگلیس، حمایت از مصدق و نهضت ملی شدن بود. «رقابت بین انگلستان و آمریکا در دو زمینه روزبروز تشدید میگردد؛ یکی در سیاست و بویژه رقابت بر سر نفوذ در الیگارشی سنتی سیاسی و دیگری در منابع و صنایع نفت ایران.»<sup>۲</sup> از این رو آمریکا درصدد بود تا با حمایت از جنبش ملی نفت ایران، انگلیس را از صحنه رقابت خارج و خود جایگزین این کشور گردد.

در این میان نزدیک شدن و اعتماد کردن مصدق به آمریکا در کنار دشمنی عمیقش با انگلیس، باعث شد که وی بدون توجه به مشی مشترک این دو کشور، از این ارتباط صمیمی با آمریکا متضرر شده و در واقع تمام نهضت را دچار اضمحلال کند. بر این اساس در دوران ترومن، در مقابل سیاستهای بریتانیا (تلاش در جهت براندازی مصدق)، سیاست حمایت از مصدق در پیش گرفته شد و تلاش میشد که توافقی حاصل شود که در پی آن دو طرف منازعه در جریان نفت به توافقی دست یابند و بحران بازار جهانی نفت به حداقل برسد.<sup>۳</sup>

این سیاستها و اعتماد بیش از حد مصدق به آمریکا باعث شد تا وی از بسیاری از دوستان و هم حزبیهای خود فاصله گرفته و موجبات تفرقه و دودستگی حزب را فراهم آورد. مصدق نه تنها از حزب بلکه از بسیاری از افراد و جریانات سیاسی مذهبی که نقش مهمی در پیروزی او در جنبش قیام ۳۰ تیر داشتند، نیز غافل شد و موجبات دشمنی خود با آنها را فراهم آورد. از جمله این افراد میتوان به آیتالله کاشانی اشاره نمود که بتدریج به دلیل اختلاف با مصدق و برخی از سیاستهای اشتباه او، از وی و حزبش جدا گردید. واقعیت آن است که مصدق علیرغم آنکه سیاستمداری کاردان و با تجربه بود، نتوانست ماهیت سیاست و بازیگران آن را درک کند. در واقع، اساس ماهیت سیاست غرب و آمریکا بر مبنای قدرت قرار داشت و دوست و دشمن واقعی را منافع ملی تشکیل میداد. به عبارتی، اگر منافع ملی آنها اقتضا مینمود، آن کشور یا فرد خاص دوست تلقی میشد و در غیراینصورت، تبدیل به دشمن میگردد!

چنانچه در موضوع ملی شدن نفت نیز، آمریکا تا جایی که به نفع کشور و منافع ملیش بود، از مصدق حمایت کرد، اما این سیاست بتدریج و تحت تأثیر منافع سیاسی و اقتصادی، تغییر کرده و به میانجیگری و مخالفت با مصدق و ملی شدن نفت تبدیل شد. در سیاست میانجیگری، آمریکا ضمن احتراز از مخالفت صریح و مستقیم، بر آن بود تا مانع از حمله نظامی انگلستان به ایران گردد. بنابراین در کنار، مذاکره با مصدق، پیشنهادهای را برای حل اختلاف دو طرف نیز مطرح نمود. در این شرایط، موضع آمریکا از مخالفت با انگلیس و حمایت از مصدق به سیاست همراهی با انگلیس و طرح پیشنهادهای برای حل اختلافات، تغییر کرد. پیشنهادهای که وزارت خارجه آمریکا و انگلیس جهت یافتن راه حلهای مناسب، مطرح کردند، عبارت بود از: پیشنهاد استوکس، پیشنهاد ترومن - چرچیل، پیشنهاد آیزنهاور - چرچیل و... که در نهایت هیچ یک از آنها به نتیجه مورد نظر مصدق و یا دول آمریکا و انگلیس نرسید. از این رو آمریکا در این مرحله تصمیم گرفت ضمن توافق با انگلیس، اقدام مشترکی را در رابطه با مصدق و مسئله نفت اتخاذ نماید. بنابراین دو طرف به این نتیجه مشترک رسیدند که «تا دولت مصدق بر سر کار است، کوچکترین امیدی

در چنین وضعیتی، گزینه کودتا و برکناری مصدق از قدرت، به عنوان راهحل نهایی توسط دو کشور طراحی و اجرا می‌گردد و مصدق ثمره اعتماد بیش از حد خود به آمریکا و امید به راه حلی آمریکایی را در سرابی واهی و اشتباه می‌یابد. وی با خوشبینی بیش از اندازه و عدم شناخت صحیح سیاستهای آمریکا، امید داشت بتواند این موضوع را به کمک آمریکا حل نماید. اما، مصدق زمانی متوجه اشتباه خود میشود که شبه کودتایی آمریکایی-انگلیسی در اسفند ۱۳۳۱ علیه او ترتیب داده میشود، این در حالی بود که زمان برای جبران اشتباهات مصدق کمی دیر شده بود و وی خیلی پیشتر با گسست از مردم و گروههایی که زمانی نه چندان دور به کمک او شتافته بودند، شکست نهایی خود را رقم زده بود.

فهرست منابع:

۱- مصطفی علم، نفت، قدرت و اصول، ترجمه‌ی غلامحسین صالحیار، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱، ص: ۱۶۵.

۲- علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، نشر قومس، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص: ۱۹۰.

۳- مارک گازیوروسکی، سیاست خارجی دوران مصدق با ایالات متحده، ترجمه اشرف نظری، نامه تاریخ پژوهان، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۸۵، ص: ۲۲۷.

۴- ازغندی، همان. ص: ۲۰۱.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/21120/کنند-مپ-اعتماد-آمریکا-مصدقہ-وقتہ/>